

تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی مازندران و گیلان در سده نهم هـ.ق بر کتیبه‌های ملک کیومرث بادوسپانی، حاکم رویان و رستمدر

امین نعیمایی عالی*

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی

محمدباقر وثوقی

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۹۷ تا ص ۱۱۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۲۶

چکیده

فروپاشی خلافت عباسیان، زمینه‌های گسترش مذهب تشیع را در پی داشت. همچنین بعد از سقوط ایلخانان، اغلب مناطق ایران شاهد پیدایش حکومت‌های محلی بود. در مناطق گیلان و مازندران نیز سلسله‌های سادات کارکیا و مرعشیان در همین دوره متولد شدند. در چنین دورانی، ملک کیومرث بن بیستون (۸۵۷-۸۰۷هـ.ق) که یکی از حکام نامدار سلسله بادوسپانان بود، به حکومت رویان رسید. او پس از رسیدن به قدرت، مذهب خود را به شیعه امامیه تغییر داد و اهالی رستمدر را نیز به این امر تشویق کرد. وی با در پیش گرفتن این سیاست و با هم‌نواختن مذهب مردم رستمدر با همسایگان، اقتدار سلسله بادوسپانان را رقم زد و مانع گسترش قلمرو مرعشیان و کارکیا به این ناحیه شد. با توجه به نقش مؤثر وی در گسترش مذهب تشیع در این منطقه و تأثیرش بر مناسبات قدرت حکومت‌های محلی گیلان و مازندران، بررسی آثار دوره او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله آثار مهم این دوره، کتیبه‌هایی است که به دستور وی ساخته شد. نظر به اهمیت این کتیبه‌ها در فهم تاریخ این دوره و سلسله، در این مقاله تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی گیلان و مازندران بر کتیبه‌های ملک کیومرث در سده نهم هـ.ق از دیدگاه تاریخی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ گیلان، تاریخ رویان و رستمدر، تاریخ مازندران، کتیبه‌های ایران، کتیبه‌های ملک کیومرث بادوسپانی.

۱. مقدمه

از جمله پیامدهای فروپاشی خلافت عباسیان، فراهم‌شدن زمینه‌های گسترش مذهب تشیع در ایران بود. بعد از دوره ایلخانی نیز زمینه تجزیه کشور و پیدایش حکومت‌های محلی فراهم شد. ایالات گیلان و مازندران نیز متأثر از این اوضاع بودند. باوندیان که بر مناطق شرقی تبرستان حکومت می‌کردند، در سال ۷۵۰ هـ.ق با قتل فخرالدوله حسن باوندی به دست چلاویان منقرض شدند (آملی، ۱۳۴۸: ۲۰۲). بعد از یک دهه، چلاویان توسط مرعشیان شیعه‌مذهب سرکوب و به فیروزکوه رانده شدند. مازندران تا زمان غلبه تیمور در دست مرعشیان قرار داشت. بعد از تسخیر مازندران، مرعشیان به ماوراءالنهر تبعید شدند و بعد از درگذشت تیمور به مازندران بازگشتند. از این پس مرعشیان به دو شاخه آمل و ساری تقسیم شدند و همواره با هم در جنگ و ستیز بودند؛ آنها همسایگان قلمرو شرقی بادوسپانان بودند (مرعشی، ۱۳۶۳: ۴۳۷-۴۴۱).

حکومت گیلان نیز در دست خاندان‌های اسحاق‌وندان، ناصرون‌دان و تجاسبیان قرار داشت که اغلب در همین دوره متولد شدند. سادات کارکیا که پیرو مذهب شیعه زیدیه بودند، در سال ۷۷۳ هـ.ق با پشتوانه مرعشیان و خروج سید امیرکیا ملاطی حکومت خود را در شرق گیلان به مرکزیت لاهیجان پایگذاری کردند و از قدرتمندترین سلسله‌های محلی گیلان شدند؛ آنها همسایه قلمرو غربی بادوسپانان بودند (همان، ۱۳۶۴: ۱۴-۹۱). در بین قلمرو این دو سلسله، منطقه رویان و رستم‌دار قرار داشت که خاندان بادوسپانی از اواخر دوره ساسانیان بر آن حکومت می‌کردند. از اوایل سده نهم، ملک کیومرث از همین خاندان حاکم این منطقه شد. برای آشنایی با پیشینه رویان، بادوسپانان و حکومت ملک کیومرث، به فرازهایی از تاریخ آنها اشاره می‌شود.

۲. مقدمه‌ای بر تاریخ رویان، بادوسپانان و ملک کیومرث

رویان یکی از نواحی جنوبی دریای مازندران (خزر) بود که از شرق به تبرستان، از غرب به دیلم و گیلان، از جنوب به ری و از شمال به دریای مازندران محدود می‌شد.^۱ به روایت ابن اسفندیار، حکومت این منطقه از اواخر دوره ساسانیان در دست گیل‌گاو‌بار، از نوادگان جاماسب ساسانی قرار داشت. سپس یکی از پسرانش به نام بادوسپان و بعد از او، فرزندان و نوادگان وی حکومت این ناحیه را در دست داشتند؛ از این‌روی، این سلسله به «بادوسپانان» شهرت یافت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۵۳-۱۵۴). با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر مناطق جنوبی دریای خزر، حکومت بادوسپانان در ادوار مختلف با فراز و فرودهای

زیادی ادامه یافت. تاریخ این سلسله به ادوار اسپهبدان (۳۳۳-۴۰هـ.ق)، استنداران (۷۲۵-۳۳۳هـ.ق)؛ ملکان (۸۵۷-۷۲۵هـ.ق) و دوره تجزیه و فروپاشی تقسیم می‌شود. ملک کیومرث، آخرین ملک مقتدر این سلسله قبل از فروپاشی بود (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۴: ۱۵-۷۱).^۲

در تشریح وضعیت سیاسی دوره ملک کیومرث به اختصار می‌توان گفت: اگر از قتل پدرش در سال ۷۸۷هـ.ق توسط اسماعیلیان بگذریم، ورود او به عرصه حکومت، با کوتوالی قلعه نور آغاز می‌شود. مرعشیان در سال ۷۸۲هـ.ق، عمده قلمرو رویان را تصرف کردند و نزدیک به ده سال در اشغال خود داشتند. در این زمان که تیمور متوجه تسخیر مازندران بود، مرعشیان از رویان دست کشیدند و از ترس آنکه سعدالدوله طوس، حاکم رویان، با دشمن آنها همدست نشود؛ او را به حکومت بازگرداندند. در چنین شرایطی، ملک کیومرث از طرف حاکم رویان به کوتوالی قلعه نور منصوب شد. در سال ۷۹۵هـ.ق تیمور؛ استرآباد، مازندران و رویان را تسخیر و مرعشیان را به ماوراءالنهر تبعید و برای این ممالک حکام جدید منصوب کرد، اما قلعه نور همچنان تا سال ۸۰۶هـ.ق در دست ملک کیومرث بود (مرعشی، ۱۳۶۳: ۴۲۱-۴۳۷). در این زمان که اسکندر شیخی بر تیمور یاغی شده بود؛ برای دفع او، لشکری به فرماندهی پیرمحمد بن عمر شیخ، حاکم تیموری فارس، به فیروزکوه اعزام شد، اما چون آنها موفق نشدند قلعه را فتح کنند، به قصد آنکه ملک کیومرث را که با اسکندر عناد داشت، طعمه قرار دهند، متوجه قلعه نور شدند. با تسخیر قلعه نور، ملک کیومرث را دستگیر و با غل و زنجیر نزد اسکندر فرستادند که دشمنت را دستگیر کردیم، اما اسکندر متوجه فریب آنها شد و ملک کیومرث را با اسب و خلعت آزاد کرد (همان: ۴۲۱-۴۲۲).

با تصرف قلعه نور توسط رستم بن عمر شیخ، ملک کیومرث در سال ۸۰۷هـ.ق برای شکایت، روانه دربار پیرمحمد شد. وی چندی در شیراز معطل و در نهایت محبوس شد. در همین زمان، تیمور درگذشت و اوضاع سیاسی دگرگون شد. با درگذشت تیمور، بدخواهان شایعه کردند که کیومرث قصد فرار دارد و برای جلوگیری از فرار، او را زندانی کردند، اما بعد از تحمل چند ماه حبس، کیومرث از زندان گریخت و خود را در لباس قلندری و درویشی به قلعه نور رساند. وی در این لباس مدتی اوضاع را بررسی کرد و با دربان قلعه دوست شد. سپس در فرصتی مناسب، شبی به مقر کوتوال قلعه رفت و او را به قتل رساند و بدین طریق، حکومت موروثی خود را مجدداً به دست آورد (همان: ۱۲۲-۱۲۷).

ملک کیومرث که با چنین مقدماتی به قدرت رسیده بود، حکومتش بر قلمرو رویان از ۸۰۸ هـ.ق با تغییر مذهب سنت به شیعه آغاز و تا ۸۵۷ هـ.ق با فرازوفرودهایی ادامه یافت.^۳ در ارزیابی دوره حکومتش باید گفت: به جز لشکرکشی سال ۸۳۲ هـ.ق سادات گیلان که با همدستی مرعشیان و حاکم قم و ری انجام و به ویرانی و تسخیر رویان منجر شد، در تمام مدت حکومتش، در قلمرو او امنیت و آرامش برقرار بود (مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۴۸-۱۶۰ و ۱۳۶۳: ۱۲۸-۱۳۰)؛ بنابراین، وی پنجاه سال با اقتدار بر رویان و رستمدر حکومت کرد.

با توجه به نقش مؤثری که وی در تغییر مذهب مردم رویان و گسترش تشیع در این منطقه داشت، همچنین تأثیر او بر مناسبات قدرت حکومت‌های محلی گیلان و مازندران، کتیبه‌های دوره او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظر به اهمیت این کتیبه‌ها در فهم تاریخ سلسله بادوسپانان و این دوره، ضرورت دارد که محتوای آنها از بعد تاریخی نیز مورد تحلیل قرارگیرد؛ لذا در این مقاله، محتوای کتیبه‌های مذکور و ارتباط آنها با اوضاع و شرایط سیاسی منطقه و دوره مورد نظر تجزیه و تحلیل خواهد شد.

درباره پیشینه مطالعات انجام‌شده باید اشاره کرد که قرائت و ثبت کتیبه‌های شمال ایران را قبلاً اعتمادالسلطنه، رابینو (Hyacinth Louis Rabino) ستوده و دیگران انجام داده‌اند. در سال‌های اخیر نیز یک مقاله درباره کتیبه‌های ملک کیومرث منتشر شد.^۴ در ارزیابی این مطالعات می‌توان گفت: اگرچه عمده کتیبه‌های موجود قبلاً قرائت و ثبت شده و همه اقدامات ارزشمند و قابل ستایش است، اما این بررسی‌ها، هرگز از حد ثبت و توصیف آثار فراتر نرفته و تحلیلی درباره محتوای آنها ارائه نشده است. با عنایت به این پیشینه، هدف این مقاله، مطالعه محتوای کتیبه‌های مذکور و نشان‌دادن ارتباط آنها با وضعیت سیاسی آن دوره و ارائه تحلیلی مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی از محتوای آنهاست.

اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی میدانی آثار تاریخی گردآوری و حدود چهل کتیبه از دوره مورد نظر شناسایی شد. بعد از بررسی ویژگی‌های اصلی، متن کتیبه‌های مورد بحث از حالت توصیفی و کیفی، به اطلاعات کمی تبدیل و سپس محتوای آنها براساس آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

۳. وضعیت کتیبه‌های شمال ایران در دوره اسلامی

برای شناخت کامل کتیبه‌های مورد بحث، نگارنده تقریباً همه کتیبه‌های موجود در استان‌های گیلان، مازندران، گلستان و مناطق کوهستانی البرز را که اکنون خارج از

مرزهای این استان‌ها قرار دارند، مورد پژوهش قرار داد. در مجموع، در این مناطق بیش از ۲۵۰۰ کتیبه با قدمت متفاوت شناسایی شد. از این کتیبه‌ها، حدود پانصد اثر به سده‌های اول تا آغاز صفویه و بقیه به دوره صفویه تا اواخر قاجار تعلق دارند.^۵

کتیبه‌های باقیمانده از سده اول بسیار محدود و اطلاعات موجود درباره آنها اندک و نامطمئن است (طاهری‌شهاب، ۱۳۸۱: ۸۹۰-۸۹۱). درباره کتیبه‌های سده دوم، فقط متن دو کتیبه موجود است که اصالت آنها نیز محل تردید است (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۴۴/۳ و ۱۳۷۵: ۵۴۷/۴). اطلاعاتی درباره سکه‌های ساسانی حکام محلی و عمال عباسیان وجود دارد که تا حدودی می‌تواند کیفیت کتیبه‌های آن دوره را روشن سازد (پاکزادیان، ۱۳۸۷: ۹-۱۳ و ۵۶). نشانه‌هایی از چند کتیبه کوفی سده سوم به دست آمد که فاقد تاریخ‌اند و براساس قرائن تصور می‌شود که متعلق به این دوره باشند (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۶۷/۳ و ۴۲۰). کتیبه‌های سده چهارم نیز اغلب نابود شدند. نشانه‌هایی از چند کتیبه این دوره به دست آمد که مهم‌ترین آنها کتیبه برج قابوس است. سایر کتیبه‌های مورد بحث بسیار کوچک‌اند و اغلب بر بدنه ظروف سفالی نقش شده‌اند (بلر، ۱۳۹۴: ۱۰۱ و ایمانی، ۱۳۸۵: ۳۳۸).

از سده پنجم چند کتیبه دارای تاریخ و تعدادی فاقد تاریخ شناسایی شدند. همچنین دو کتیبه پهلوی در دو برج آرامگاهی شناسایی شدند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. کتیبه‌های مهم این دوره در برج‌های رادکان، لاجیم، رسکت، مسجد جامع گرگان و ... قابل مشاهده و بررسی است (بلر، ۱۳۹۴: ۱۳۵ و ۱۳۸-۱۳۹ و طاهری‌شهاب، ۱۳۸۱: ۸۷۲).

از سده ششم کمتر از ده کتیبه شناسایی شد که اغلب آنها فاقد تاریخ‌اند. از کتیبه‌های مهم این دوره باید به کتیبه قبر ابوالقاسم رویانی در آمل، کتیبه صندوق امامزاده نور و ظروف سفالی گرگان اشاره کرد (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۰۱/۳؛ معطوفی، ۱۳۸۷: ۳۰۷ و ۱۳۷۴: ۱۶۲). از سده هفتم حدود سی کتیبه شناسایی شد که کمتر از ده مورد از آنها دارای تاریخ و بقیه منسوب به این دوره‌اند. کتیبه‌های شاخص این دوره شامل صندوق خورکیای لاهیجان، کاشی بقعه سید محمد صالحان کجور، کاشی‌های جرجان و ... است (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۲؛ معطوفی، ۱۳۸۷: ۲۱۷ و طاهری‌شهاب، ۱۳۸۱: ۸۹۵).

از سده هشتم حدود پنجاه کتیبه شناسایی شد. متن اغلب این کتیبه‌ها مفصل و دارای تاریخ است. برخی از کتیبه‌های شاخص این دوره، شامل کتیبه‌های بقاع امامزاده نور و امامزاده یحیی‌ای گرگان، امامزاده ابوالقاسم دوهزار تنکابن، چهارپادشاه و شیخ زاهد لاهیجان، پلاسید رامسر، امامزاده عبدالله یانه‌سر ساری، سید محمد در آستانه اشرفیه، سید هادی و سید محمد در کلاردشت و ... است.

ویژگی‌های شاخص کتیبه‌های سده دوم تا هشتم را به اختصار می‌توان این‌گونه برشمرد: به لحاظ تعداد کتیبه‌های سنگ قبر، بیش از سایر کتیبه‌هاست و بیشترین سنگ قبرها، مربوط به منطقه گرگان و استرآباد است. پس از آن کتیبه‌های مربوط به در رودی، صندوق، ضریح و نورگیر بقاع امامزادگان و مساجد مجاور آنها بیشترین تعداد را دارند.

گذشته از سنگ قبرها، برخی فرمان‌ها و وقف‌نامه‌ها و عمده کتیبه‌های مورد مطالعه بر روی چوب کنده شده‌اند. سپس کتیبه‌های گچبری و خوشنویسی با رنگ بر روی دیوار بناها، تعداد زیادی را دربرمی‌گیرند. معدودی از کتیبه‌ها نیز بر روی فلز، کاشی و سفال حک شده‌اند. به جز دو سه کتیبه پهلوی، خط کتیبه‌های قبل از سده هفتم کوفی است. در کتیبه‌های سده هفتم و بعد نیز، گاه خط کوفی در کنار سایر خطوط به کاررفته است، اما عمده کتیبه‌های سده ششم تا نهم به خطوط نسخ، ثلث، رقاع و ریحان نوشته شده‌اند و معدودی نیز تعلیق‌اند.

۴. کتیبه‌های رویان و رستمدر در دوره ملک کیومرث

از کتیبه‌های حکام این سلسله که قبل از ملک کیومرث سلطنت داشتند، تاکنون فقط چهار کتیبه متعلق به ملک اسکندر بن تاج‌الدوله زیار و برادرش شاه غازی مربوط به سال‌های ۷۶۱ و ۷۸۲ هـ ق در بقعه امامزاده هادی (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۳۸/۳-۱۴۰) و یک کتیبه در بقعه امامزاده محمد کلاردشت شناسایی شد.^۶ احتمال دارد کتیبه‌های ملوک قبلی این سلسله به دلایل مختلف از بین رفته باشد. از دوره ملک کیومرث، تاکنون حدود چهل کتیبه شناسایی شد که ویژگی‌ها و متن آنها به شرح جدول زیر است:^۷

جدول شماره ۱. کتیبه‌های ملک کیومرث در سده نهم هـ ق.

شماره ترتیب کتیبه	نام بنای دارای کتیبه	محل درج کتیبه	زبان نگارش کتیبه	تاریخ ساخت کتیبه	روش ساخت کتیبه	نوع خط کتیبه	تعداد کلمات کتیبه
۱	امامزاده احمد رضا لاسم لاریجان	روی صندوق	عربی و فارسی	۸۱۱	مجنت	ریحان	۱۵۰+
متن کتیبه‌های دوره ملک کیومرث در رویان و رستمدر در سده نهم هـ ق.							
«الله لا اله الا هو الحي ... الا بعلمه وسع» «هذه العماره المباركه و روضه المتبركه المزار المغفور المبرور المرحوم السعيد الشهيد بن خياران قدس الله العزيز» «في تاريخ ماه مبارك ربيع الاول سنه احد عشر و ثمانمائه». «امر هذا الصندوق ادریس بن صالح» «کاتب خسرو بن اسکند، طلب رحمت کن. عمل محمد بن علی بابو نزار» « صد هزاران بشارت و مغفرت بروح او [روان او واصل کن. ...الله بر نویسنده این، رحمت کن و بر ناظم این، رحمت کن. کاتب حسین بن اسکندر» (ستوده، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۳-۴۱۰-۴/۴).							

پژوهشهای علوم تاریخی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷/۱۰۳

۲	همان	روی در	فارسی	۸۱۱	مکتب	نسخ	۱۹	ستوده نوشت: این عبارات بر این دو لنگه دیده می‌شود: «در مسجد بهرزه باز مکن چون درایی بجز نماز مکن» «عمل استاد افراسیاب این استاد علی نجار معروف بلارجانی» (همان: ۴۰۹/۳).
۳	همان	دیوار	عربی	۸۱۱	مکتب	نسخ	+۱۵۰	ستوده نوشت: «بر تخته پاره ای که بر دیوار امامزاده نصب بود، با خط متوسط نسخ، آیاتی از ابتدای سوره مبارکه یس تا انتهای آیه یازدهم حک شده است» (همان: ۴۱۰).
۴	بقعه سید محمد صالحان کجور	چهارچوب در	عربی	۸۲۰	مکتب	ثلث	۱۴۰	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. انا فتحنا لك فتحاً مبيناً ... عند الله فوزاً عظيماً. الله مفتاح الابواب مسبب الاسباب. هذا باب عماره المشهد المقدس و تره معطر سلطان العارفين برهان المحققين تاج الواصلين خليفه رسول رب العالمين ابو المعارف سلطان محمد دبیر کیا صالحانی قدس الله سره. امر بهذا العماره و الباب الملك الاعظم و الاستندار المعظم جلال الدوله ملك اسکندر بن الملك المرحوم شرف الدوله بیستون خلد الله ملكه و طاب ثراه فی تاریخ ماه مبارک محرم سنه عشرين و ثمانمائه الهجرية النبويه» (همان: ۲۰۰-۲۰۱).
۵	همان	دیوار بقعه	عربی	احتمالاً ۸۲۰-۸۲۰	خطاطی	ریحان	۲۲	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم... - سلطان العارفين برهان المحققين ابوالمعارف سلطان محمد دبیر کیا سلطان طبرستان... - سلطان السلاطين و خاقان الخواقين ... ملك اسکندر ... خلد الله ملكه... - ابن صاحب ديوان آقا محمد كزازی ... سنه ...» (همان: ۲۰۲)
۶	همان	بالای طاقنما	عربی	احتمالاً ۸۲۰-۸۲۰	خطاطی	ریحان	+۵۰	ستوده روایت اعتمادالسلطنه را درباره این کتیبه اینگونه نقل نمود: «بالای طاقنمای دوم، به خط خوش و مرغوب سوره یس کتابت شده» (همان).
۷	همان	طاقچهها	عربی	احتمالاً ۸۲۰-۸۲۰	خطاطی	ریحان	+۵۰	ستوده روایت اعتمادالسلطنه را درباره این کتیبه اینگونه نقل نمود: «در هر طاقچه هم از آیات شریفه و احادیث منیفه کتبه ای کرده اند» (همان).
۸	همان	نورگیر غربی بقعه	عربی	احتمالاً ۸۲۰-۸۲۰	مکتب	ثلث	۷۸	نگارنده مقاله این عبارات را بر آن خواند: بالا: «حین اشد الشوق علیه کان» چپ: «یاتی القبور کل لیله و ینادی یا حسیناه یا حبیباه» پایین: «فلا یجد احداً فلما کان» راست: «بعد سنه اشد شوقه فیکاً هذه جعل یقول» (مشاهدات و مطالعات نگارنده)
۹	همان	در بقعه	عربی	حدود ۸۴۹	مکتب	رقاع	۲۲	قد تم هذا الباب فی اوان الدوله السلطان الاعظم مالک الرقاب و الامم جلال الدوله ملک کیومرث .. خلد الله ملكه و سلطنته...» (همان).
۱۰	امامزادگان هزار خال کجور	حاشیه بالای صندوق	عربی	احتمالاً ۸۲۳ یا ۸۱۴ تا ۸۳۴-۸۱۴	مکتب	نسخ و ریحان	۷۵	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. والصلوه والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين. اما بعد، فان الملك الاعظم، مالک رقاب الامم، اعدل الملوك و السلاطين، اعتضاد الحكام و الخواقين، الموثيد بتأييد رب العالمين، جلال الحق و الدوله و الدين، ابوالمظفر، الملك کیومرث بن الملك المرحوم، المغفور الشهيد، الملك بیستون خلد الله تعالی سلطنه الی يوم الدين و رحم آياته و اسلافه الصالحين، امر بنحت هذه الصندوق المرقد المنور» (همان: ۱۹۲).

۱۰۴/ تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی مازندران و گیلان در سده نهم هـ ق بر کتیبه های ملک کیومرث بادوسپانی...

۱۱	همان	حاشیه پایین صندوق	عربی	احتمالاً ۸۳۴-۸۱۴	مکتب	نسخ و ریحان	۱۶۳	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، الله لا اله الا .. هوالعلی العظیم» « اللهم صل علی محمد المصطفى و علی علی المرتضی و الحسن الرضا و حسین الشهید الكربلا و زین العابدین و محمد باقر و جعفر الصادق و موسی کاظم و علی موسی الرضا و محمد تقی و علی نقی و حسن العسکری و حجه القائم امام محمد المهدي صلوات الله عليه و عليهم اجمعين. و الصلوه علی صاحبی هذا المرقد المنور امامین الهمامین السیدین الشهدین الکاملین الفاضلین الصادقین الطاهرین المطهرین ابنا امام العالم العادل و الشرع الناظم و هو موسی کاظم علیهم التحیه و الرضوان. تمّ هذا الصندوق الشريف و العمل الظریف علی ید الاستاد الاجل المخدم استاد محمد بن الحسن النجار المعروف بکیا کردی و لایه رودی. کتبه محمود بن نجیب الرستمدری غفر له» (همان: ۱۹۲-۱۹۳)
۱۲	همان	پای صندوق	عربی	احتمالاً ۸۳۴-۸۱۴	مکتب	نسخ یا ریحان	۵	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «در زیر این کتیبه، در طرف پایین پا، در طرف مشرق در ورودی محجر صندوق بدین عبارت، تاریخ نخست این صندوق را نوشته اند: «فی تاریخ ربیع الآخر سنه اربع و ثمانمائه الهجریه» (همان: ۱۹۳).
۱۳	همان	سر در پتقه	عربی	احتمالاً ۸۲۸	حجاری	ریحان	۸	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: از این رواق به روضه مطهر و مرقد منور داخل می شود که دری در آنجا نصب شده است که رو بروی درب اول و درب ثانی است. این در بخلاف درهای دیگر، ساده و بی نقش و نگار است. بالای سراین در، سنگی نصب کرده اند که این عبارت بر روی آن نوشته اند: «عمل استاد حسین بن علی بنیاء املی الحسینی» (همان: ۱۹۰).
۱۴	همان	دیوار بیرون، پایین	عربی	۸۲۸	آخر سقا	ریحان	۱۱۰	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: ۱..سوره فتح ۲. حکم الله الواحد القهار و هو الملك العزيز. امر بعمار هذ البقعه المبارک ذواه المطهر المنور، الملك الاعظم الاعدل خسرو ایران، خلاصه اکاسره جهان، معین امیرالمومنین، استندار ملک کیومرث خلد الله تعالی سلطنته، ابن ملک المغفور المبرور، ملک شرف الدوله بیستون استندار علیه الرحمه و الغفران. کتبه محمود بن نجیب الرستمدری فی تاریخ ثمان و عشرين و ثمانمائه (همان).
۱۵	همان	دیوار بیرون.	عربی	۸۲۹	آخر سقا	ریحان	۸۰	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، الله لا اله الا هوالحی القيوم لا تاخذه سنه و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض..... هوالعلی العظیم. فی سنه تسع و عشرين و ثمانمائه» (همان: ۱۹۶).
۱۶	همان	در اول	عربی	احتمالاً ۸۲۹	مکتب	رقاع	۲۱	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «امر بهذا الباب المشهد المبارک الملك المعظم جلال الدوله کیومرث بن شرف الدوله بیستون استندار. عمل محمد بن حسین کیا کردی» (همان: ۱۸۸).
۱۷	همان	دیوار داخل	احتمالاً عربی	احتمالاً ۸۲۹	خطاطی	ریحان و تعلق	۳+	ستوده به نقل از اعتمادالسلطنه نوشت: «بعضی کلمات ملاحظه شد که لفظ «کیومرث» و «جلال» و «الحمد» نوشته شده بود. معلوم شد که این کتابه با کتابه صندوق اول که نوشته می شود مطابق و اختلافی نداشت و این کتابه ها که خوانده نشد، به خط ریحان و تعلیق بود» (همان: ۱۹۱).
۱۸	همان	روی دیوار	عربی	۸۲۹	خطاطی	ریحان	۸۰+	طبق روایت اعتمادالسلطنه، متن این کتیبه شامل آیاتی از سوره- های فتح، نجم، اسری و احزاب که عمده آن ریخته و قابل خواندن نبود (همان: ۱۸۹).

پژوهشهای علوم تاریخی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷/ ۱۰۵

۱۹	همان در دارالحفاظ	عربی	۸۴۹	متن	؟ ریحان	۷۴	ستوده به روایت از اعتمادالسلطنه، کتیبه‌های این در را این‌گونه نقل کرد: «قد تم هذا الباب بامر السلطان الاعظم مالك رقاب الامم العالمين بره و احسانه في تاريخ جمادى الاولى سنة تسع و اربعين و ثمانمائه الهجرية. صانعه استاد يوسف بن نجار فيروزي. متولى هذا الزياره الشيخ حسين گالش» (همان: ۱۸۹)
۲۰	بند آب نهد جوق لار روی صخره کوه	احتمالاً عربی	حدود ۸۳۹	حجاری صخره	؟ ریحان	+ ۶	ستوده نوشت: «متن کتیبه از میان رفته و ظاهراً به عمد آن را محو کرده‌اند. در سطر دوم کلمه «سلطان» و در سطر آخر کلمات «من شهور» کم‌وبیش خوانده می‌شود. خارج از متن کتیبه «کتبه محمود رستمدری» روشن و واضح است (همان: ۳۸۸). به نظر نگارنده، احتمالاً مضمون آن چنین بوده باشد: [امر ببناء هذه النهر في اوان الدولة السلطان الاعظم مالك الرقاب و الامم جلال الدولة ملك كيومرث بن السلطان بيستون خلد الله ملكه و سلطنه من شهور سنه. و. ثمانمائه. «کتبه محمود رستمدری»]
۲۱	مسجد برغان	احتمالاً عربی	احتمالاً ۸۳۱-۸۳۱	نامشخص	؟ ریحان	روایت متن	طبق مضمون کتیبه جدید، این مسجد در سال ۱۳۱۶ شمسی دچار آتش‌سوزی شد. اصل کتیبه احتمالاً از بین رفته یا بعد از تخریب مسجد سرقت شده باشد. متن کتیبه جدید روایتی از مضمون کتیبه قدیمی است که مسجد به فرمان ملک کیومرث بن بیستون ساخته شد (مشاهدات و مطالعه میدانی نگارنده).
۲۲	بقعه شیخ احمد	احتمالاً عربی	احتمالاً ۸۳۳	نامشخص	؟ ریحان	۰	در لشکرکشی حکام گیلان و مازندران به رستمدر و جنگ ۸۳۲ چیلک شاره، این بقعه احتمالاً آسیب دید. فرمان مورخ ۸۳۳ ملک کیومرث برای ساماندهی موقوفات بقعه مؤید این نکته است (یزدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۲).
۲۳	مسجد لوسان	عربی	۸۳۷	متن	نسخ	۱۲	اعتضادالسلطنه در سفرنامه‌اش نوشت: «مسجد واقعه در لوسان بزرگ معروف به حضرت امام حسن سلام الله علیه، در منبر بزرگ چوبی کنده شده است به خط نسخ: فی التاريخ شهر الله الاصم سنه سبع و ثلثين و ثمان مائه» (نوری، ۱۳۹۰: ۳۵۴).
۲۴	همان در مسجد زفانه	عربی	۸۳۷ ؟	متن	نسخ	۷	احتمالاً این در نیز هم‌زمان با منبر ساخته شده باشد. «در درب کوچک مسجد زفانه کنده شده است به خط نسخ: «الله مفتوح الابواب و اليه مرجع الماب» (همان).
۲۵	بقعه شاه بالو نور	فارسی	۸۴۰	آجر پخته	ریحان	۱۶	ستوده نوشت: کتیبه ای از آجر پخته بر بالای نمای خارجی ضلع قبلی است که این شعر با خطی خوش بر آن حک شده است: «شه کیومرث بن سلطان بیستون ظل خدا در زمان هشتمصد و چل ختم فرمود این بنا» (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۴۶/۳).
۲۶	همان کتیبه داخل	فارسی	۸۴۰	خطاطی	ریحان	+ ۸	ستوده نوشت: «در درگاه سمت راست در ورودی در دایره‌ای نام معمار و پیشکار بناست که به علت فرسودگی روشن خوانده نشد. این کلمات بر آن واضح بود: «معمار پیشکار آن پاشا بن تهراس بک‌شاه جمشید...» (همان: ۳۴۵).
۲۷	همان کتیبه طاق نمای سمت	فارسی	۸۴۰	خطاطی	ریحان	+ ۱۶	ستوده نوشت: در طاق نمای داخلی سمت چپ در ورودی بقعه، در دایره‌ای عبارات زیر نوشته شده است: «درب الیاس گفت گیرد (؟) درین آستان دعای بخیر می‌خواهد. متولی این مقام درویش حسن دارا» (همان: ۳۴۴).

۱/۰۶ تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی مازندران و گیلان در سده نهم هـ ق بر کتیبه‌های ملک کیومرث بادوسپانی...

۲۸	همان کتیبه طاق نماز حینه معجمه	فارسی	۸۴۰	خطاطی	ریحان	۲۰+	ستوده نوشت: جنوبی محرابی است. بر حاشیه این محراب آیات زیر با رنگ نوشته شده است: «اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون. بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرأ. الله لا اله الا هو الله. الله» (همان: ۳۴۵).
۲۹	همان بالای طاق نماز سلطان محمد	عربی	۸۴۰	کاشیکار	ریحان؟	۵۰+	ستوده نوشت بر بالای طاق نماها کتیبه‌های کاشی بوده که فعلاً سه کتیبه آن باقی است و آنچه باقی مانده «صلوات بر چهارده معصوم» است (همان).
۳۰	همان سر در	فارسی	۸۴۰	گچبری	ریحان؟	۶	ستوده نوشت: بر سر در ورودی کتیبه‌ای چهارگوشه از گچ است که نام بتا بر آن خوانده می‌شود: «عمل بهرام بنا بن علی ... بنا» (همان).
۳۱	همان بالای در ورودی	فارسی	۸۴۰	؟ تسفل کاشی	ریحان؟	۲۶	ستوده درباره این کتیبه منظوم دیگر نوشت: «ایات زیر بنا بر نقل آقای خانباباخان سلطانی. بر بالای در ورودی این بنا بوده است و امروز نشانی از آن بر جانیست. «بردرگه دوست چون رسی گولیک کاتجا نه سلام راه دارد نه علیک این وادی کعبه است نگهدار قدم این وادی عشق است، فاخلع نعلیک» (همان جا).
۳۲	همان کتیبه خوانده نشیمن	فارسی عربی	۸۴۰	خطاطی	ریحان و ثلث نام مشخص		نگارنده در تابستان ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۷ دو بار از این بقعه دیدن و کتیبه‌های آن را از نزدیک مشاهده کرد. حسب بررسی‌ها، به نظر می‌رسد که کتیبه‌های روی دیوارهای بقعه بیش از تعدادی باشد که ستوده نقل کرده است و برخی از کتیبه‌های بقعه خوانده نشد.
۳۳	امامزاده محمود تالعه نه سف	احتمالاً عربی	۸۴۳	میت	ریحان؟	یک روایت	جعفر محدث نوشت: بارگاه شاهزاده محمود بن امام موسی کاظم در روستای ناحیه نور در سال ۸۴۳ هجری به دستور ملک کیومرث بر مزار آن حضرت ساخته شد که ۲۸ سال بعد از آن به جای درب اولی، درب دو لنگه زیبایی به همت دو تن از نجاران هنرمند نوری ... ساخته شد» (یزدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱).
۳۴	سلطان مطهر بومهن صندوق بقعه	عربی	۸۴۷	میت	ریحان ثلث؟	۳۱	اعتضادالسلطنه متن این کتیبه را اینگونه قرائت و نقل نمود: «امر بعماره هذه الصندوق المزار المتبرک الملك الاعظم جلال الدوله و الدین ملک کیومرث. عمل استاد حسین ابن استاد محمد نجار الکرد فی ماه رجب المرجب سنه سبع و اربعین و ثمانمائه. دور صندوق آیه الكرسی و چند آیه دیگر از قرآن مجید» (نوری، ۱۳۹۰: ۳۲۱).
۳۵	همان در بقعه	احتمالاً عربی	۸۴۷	میت	ریحان ثلث؟	نام مشخص	نظر به ساخت بقعه در تاریخ مذکور، به احتمال برای این بقعه دری نیز ساخته بودند که در سال ۹۶۲ تعویض شد. این در نیز احتمالاً کتیبه‌ای با این مضمون داشت: «امر بعماره هذا الباب المزار المتبرک الملك الاعظم جلال الدوله و الدین ملک کیومرث. عمل استاد حسین ابن استاد محمد نجار الکرد فی سنه سبع و اربعین و ثمانمائه».
۳۶	سرخ کمر نور روی صخره	فارسی	۸۴۸	حجاری	ریحان	۲۰	ستوده نوشت: «خسرو فرهاد قوت آن بذاتش ذوفنون شاه کاوس کیومرث ابن سلطان بیستون» هشتمصد و هشت و چهل از هجرت صدررسل کند به توفیق خدا این کوه چوکوه بیستون» (ستوده همان، ۳۰۱).

پژوهشهای علوم تاریخی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷/۱۰۷

۳۷	امامزاده ابراهیم تیرسای نور	در ورودی بقعه	عربی و فارسی	۸۴۹	مکتب	؟	۴۹	ستوده کتیبه های روی در این بقعه را اینگونه نقل نمود: «اشتری هذا الباب حسن ابن سلطان العارفين کیا ابن کیا اعظم علاء الدين شيرامه اسفارتگيچ برد الله قبره». «عمل استاد حاجی ابن استاد محمود فی تاریخ سنه تسع اربعين و ثمانمائه». «عمل پيروز نجار بن شمس نجار». «درختان تا بوند در کوه و بیشه بشادی باز باد این در همیشه» (همان: ۳۲۱).
۳۸	حشید کیا سلطان	سردر بقعه	عربی	۸۵۱	آخر سوال	ریحان	۱۷	آخرین کتیبه موجود از دوره ملک کیومرث در خاک رویان بر روی سردر این بقعه قرار دارد که متن آن چنین است: « امر بعمارت هذا المزار، السلطان ملک کیومرث بن ملک بیستون فی محرم سنه احدى خمسين و ثمانمئه ۸۵۱» (همان: ۲۴۰).
۳۹	درویش امیر ناسنگ	در صندوق و سردر و کعبه	احتمالاً عربی	قبل از ۸۵۷	نامشخص	نامشخص	۰	قدیمی ترین یادگار نوشته های روی دیوار این بقعه مربوط به سال ۸۶۴ قمری است؛ لذا تردیدی وجود ندارد که این بقعه قبل از تاریخ یادشده و در زمان ملک کیومرث ساخته شده بود. لذا احتمالاً در ورودی، صندوق و سردر آن همانند سایر آثار دوره ملک کیومرث دارای کتیبه بود که جملگی از بین رفتند (همان: ۲۱۱).
۴۰	مقبره ملک کیومرث در هزارخال کجور	کتیبه های روی صندوق	عربی	۸۵۸	مکتب و مکتب نقاری و ریحان	ثلث و ریحان	۱۸۵	ستوده متن کتیبه را به نقل از اعتمادالسلطنه اینگونه نقل نمود: ضلع شرقی: « هذه الصندوق الروضه السلطان الاعظم الاعدل مالک رقاب الامم سلطان العرب والعجم الموميد بتأييد الملك الجبار، والمعتمض بولایت علی المختار، کیومرث بن بیستون استندار فی سنه ثمان خمسين و ثمانمائه» اضلاع شمالی و جنوبی: « بسم الله الرحمن الرحيم. انا فتحنا لك فتحا...عليهم دائرة السوء». « و غضب الله عليهم ...بما تعملون خبيراً» ضلع غربی: « اللهم صل علی المطفى و علی علی المرتضى و علی حسن الرضا و علی حسين الشهيد بكر بلا و علی زين العابدين و علی محمد الباقر و علی جعفر الصادق و علی موسى الكاظم و علی علی موسى الرضا و علی محمد تقی و علی علی النقی و علی حسن العسكري و محمد المهدي» (همان: ۱۹۳-۱۹۵).

محتوای کتیبه های موجود مؤید آن است که در این دوره بناهای زیادی ساخته شد که همه آنها دارای کتیبه بودند. این کتیبه ها مربوط به سال های ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۴۰، ۸۴۳، ۸۴۷، ۸۴۹، ۸۵۱ و ۸۵۸ هـ ق است. با توجه به اینکه این آثار فقط مربوط به دوازده سال از دوره سلطنت پنجاه ساله ملک کیومرث است، می توان استنباط کرد که در دوره مذکور، در هر سال، حداقل سه کتیبه و در مجموع بیش از ۱۵۰ کتیبه ساخته شده باشد.

اگر صندوق بقعه هزارخال را از کتیبه های ملک کیومرث در سال ۸۲۴ یا ۸۲۸ هـ ق محسوب کنیم، می توان گفت تقریباً هیچ یک از کتیبه های بیست سال نخست سلطنت وی وجود ندارد. در بقعه صالحان چند کتیبه از سال ۸۲۰ هـ ق وجود دارد که در دو کتیبه آن نام «ملک اسکندر بن بیستون» با همان القاب و عناوینی که ما در کتیبه های کیومرث در سال های ۸۲۸ هـ ق به بعد می بینیم ذکر شده است که دور از باور، عجیب و

از ابهامات تاریخی است؛ چراکه طبق روایت مرعشی، در این دوره هیچ‌گونه جنگ و شورش علیه ملک کیومرث گزارش نشده و مملکت رویان در آرامش و امنیت به سر می‌برده است. چون در منابع هیچ اشاره‌ای به حکومت برادرش ملک اسکندر یا شخص دیگر در فاصله سال‌های ۸۰۸-۸۲۸ هـ ق نشده است، شاید بتوان نامبرده را به عنوان ولیعهد یا قائم‌مقام ملک کیومرث تصور کرد؛ اما چون کتیبه‌های مذکور، دقیقاً مضمون شاهی دارد، نمی‌توان این احتمالات را پذیرفت و از آنها گذشت. در سال‌های ۸۲۸-۸۲۹ هـ ق چند کتیبه، در فاصله سال‌های ۸۲۹-۸۴۰ هـ ق فقط یک کتیبه و در شش سال پایانی ۸۵۲-۸۵۷ هـ ق نیز کتیبه‌ای ثبت و گزارش نشده است. با توجه به اینکه در سال‌های ۸۲۸-۸۲۹ و ۸۴۷-۸۵۱ هـ ق در ساخت بناهای کتیبه‌دار توالی وجود دارد؛ لذا استنباط می‌شود در بقیه سال‌ها نیز بناهای مشابهی ساخته شده باشد و عدم وجود کتیبه از سال‌های ۸۰۸-۸۲۸، ۸۳۰-۸۴۰، ۸۴۲-۸۴۶ و ۸۵۲-۸۵۷ هـ ق، احتمالاً ناشی از تخریب و نابودی آنها در ادوار بعد باشد.

همه کتیبه‌های موجود در قلمرو ملک کیومرث، در سیزده بنا قرارداد شدند. عمده این کتیبه‌ها به بقاع طاهر و مطهر (۲۷/۵)، سید محمد صالحان (۱۷/۵) و شاه بالوی نائل (۱۷/۵) تعلق دارند. از بناهای کتیبه‌دار، بقاع جمشیدکیا سلطان و شاه بالو در دشت و ساحل دریا قرار دارند. بقعه امامزاده تقی بومهن و مساجد لواسان و برغان در مرزهای قلمرو جنوبی و پشتکوه رویان قرار گرفته‌اند و هفت بنای دیگر در آبادی‌های کوهستانی رویان واقع شده‌اند. در مجموع، ۶۷/۵٪ کتیبه‌ها مربوط به بقاع امامزادگان، ۲۰٪ کتیبه‌ها مربوط به بقاع عرفا و بقیه به سایر ابنیه تعلق داشت؛ بنابراین، عمده کتیبه‌های رویان در مراکز مذهبی شیعی تمرکز یافته است و کتیبه ابزاری در خدمت مذهب بود.

در هشت بنای این دوره، چهارده کتیبه با عبارات «امر ببناء»، «امر بنحت»، «امر بهذه» و «فرمود» به کار رفته که حاکی از ساخت بنا و یا آثار موجود در آنها به فرمان ملک کیومرث است. در کتیبه‌های چهار بنا، اثری از فرمان شاهی دیده نشده است. احتمال دارد که در این بناها نیز کتیبه‌های مشابهی وجود داشته است که قبل از ثبت، تخریب شده باشند. کتیبه‌های مذکور به زبان‌های عربی و فارسی نوشته شده بودند. عمده متون عربی کتیبه‌ها شامل آیات قرآن، صلوات کبیر، احادیث و متن فرمان‌های شاهی است. بخش فارسی کتیبه‌ها، اغلب شامل اشعار فارسی در یک یا دو بیت است و به سال‌های ۸۴۰، ۸۴۸ و ۸۴۹ هـ ق تعلق دارد. نوع خط کتیبه‌های مورد مطالعه به

ترتیب فراوانی شامل ریحان، ثلث، نسخ، رفاع، کوفی و تعلیق بود. خط ریحان در کتیبه‌نویسی این دوره در درجه اول، و خطوط ثلث و نسخ در درجه دوم اهمیت قرار داشتند. مواد حدود نیمی از کتیبه‌های موجود چوب است و کتیبه‌نویسی با رنگ بر روی دیوار گچی، سنگ، آجر، سفال و کاشی نیز درجه دوم قرار داشت.

کتیبه‌هایی که با تکنیک نقاری و منبت روی چوب ایجاد شده‌اند ۴۲/۵٪، خوشنویسی روی دیوار گچی ۲۲/۵٪، سنگ و حجاری ۱۰٪، آجری و سفالی ۱۰٪، گچبری ۵٪ و کتیبه کاشی ۲/۵٪ را تشکیل می‌دهند و ۵٪ نیز مواد آنها مشخص نبود.

این کتیبه‌ها بیشتر به زبان عربی نوشته شده‌اند. متن ۵۵٪ کتیبه‌ها فقط عربی، ۲۰٪ فقط فارسی، ۱۲/۵٪ فارسی و عربی و ۱۲/۵٪ نیز نامشخص است. گذشته از آیات قرآنی و احادیث، متن عمومی کتیبه‌ها به نثر عربی و در عین حال روان و گاه آمیخته با عبارات فارسی است. پنج کتیبه منظوم فارسی نیز دیده شد؛ سه کتیبه هرکدام یک بیت و دو کتیبه دیگر، هرکدام شامل دو بیت است. به جز کتیبه مورخ ۸۱۱هـ.ق، سایر کتیبه‌های منظوم مربوط به سال‌های ۸۴۰، ۸۴۸ و ۸۴۹هـ.ق است. فقط یک کتیبه فرمان منظوم کوتاه و پر معنا وجود داشت که متن آن چنین بود:

«شه کیومرث بن سلطان بیستون ظل خدا در زمان هشتصد و چل ختم فرمود این بنا».

خط حدود ۶۰٪ از کتیبه‌ها دقیقاً ذکر شده است؛ ۳۰٪ از کتیبه‌ها به خط ریحان، ۱۰٪ ثلث، ۷/۵٪ نسخ، ۵٪ رفاع و ۵٪ نیز به خطوط کوفی و تعلیق بود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که خط ریحان در کتیبه‌نویسی این دوره در درجه اول، ثلث و نسخ در درجه دوم بوده و سایر خطوط در این دوره کمتر رواج داشته است.

جدول شماره ۲. طبقه‌بندی اندازه متن کتیبه‌های دوره ملک کیومرث.

اندازه کتیبه‌ها	کلمات موجود از متن هر کتیبه	تعداد	درصد	جمع کلمات
تا ۲۰ کلمه	۳، ۶، ۷، ۸، ۸، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۶، ۱۹، ۱۷ کلمه	۱۲	۳۰٪	۱۲۷
از ۲۱-۶۰ کلمه	۲۱، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۸، ۵۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰ کلمه	۱۳	۳۲/۵٪	۴۷۷
بیش از ۶۱ کلمه	۷۵، ۸۰، ۹۰، ۱۱۰، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۰، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۸۵ کلمه.	۱۰	۲۵٪	۱۲۸۳
نامشخص	از متن ۵ کتیبه چیزی بدست نیامد.	۵	۱۲/۵٪	-----
جمع	-----	۴۰	۱۰۰٪	۱۸۸۷

نکته مهم دیگر درباره این کتیبه‌ها، اندازه متن یا تعداد کلمات هر کتیبه است. با توجه به اهمیت موضوع، متن کتیبه‌ها از این دیدگاه نیز بررسی و طبقه‌بندی شد که جزییات آن در جدول شماره ۲ آمده است. تعداد کلمات ۳۵ کتیبه مشخص است و می‌توان حدس زد که هریک از کتیبه‌های نامشخص احتمالاً کمتر از ۲۰ کلمه داشته‌اند. اگر آنها را نیز در طبقه اول قرار دهیم، می‌توان گفت حدود ۴۰٪ از کتیبه‌های این دوره با متن کوتاه (تا ۲۰ کلمه)، ۳۵٪ با متن متوسط (۶۰-۲۱ کلمه) و حدود ۲۵٪ نیز با متن بلند بودند. طبق نمونه‌های موجود، اغلب کتیبه‌های بلند، شامل کتیبه‌های قرآنی و صلوات کبیر است که بر روی صندوق، چهارچوب، در ورودی و دیوار بقاع نوشته می‌شد.

۵. تحلیل متن و محتوای کتیبه‌ها

چون موضوع و هدف این مقاله تحلیل تاریخی محتوای کتیبه‌های مورد نظر و تبیین ارتباط آنها با وضعیت سیاسی آن دوره است، آماری از محتوای این کتیبه‌ها ارائه می‌شود. پس از مطالعه دقیق متن کتیبه‌ها، موضوعاتی که در آنها مطرح شده بود، استخراج و ۲۵ مقوله جزئی مشخص شد. این مقوله‌ها، مجدداً در سه مقوله «فنی- هویتی»، «سیاسی-حکومتی» و «دینی-مذهبی» طبقه‌بندی شد. نتیجه طبقه‌بندی در جدول شماره ۳ تدوین گردید که در ادامه تشریح و تبیین می‌شود.

جدول شماره ۳. طبقه‌بندی محتوای کتیبه‌های دوره ملک کیومرث

مضامین فنی، هویتی	تعداد	درصد	مضامین حکومتی سیاسی	تعداد	درصد	مضامین دینی و مذهبی	تعداد	درصد
تاریخ ساخت اثر	۱۶	۴۰	نام و القاب ملک	۱۷	۴۲/۵	آیات قرآنی	۱۶	۴۰
معرفی اثر تاریخی	۱۲	۳۰	فرمان سلطان	۹	۲۲/۵	اسماء جلاله	۳	۷/۵
نام نجار و منبت‌کار	۸	۲۰	دعا برای سلطان	۶	۱۵	احادیث نبوی	۳	۷/۵
نام کاتب	۴	۱۰	واژه استندار	۳	۷/۵	صلوات پیامبر و آل	۱	۲/۵
نام آمر، معمار و بنا	۳	۷/۵	نام ایران و کسری	۱	۲/۵	صلوات ۱۴ معصوم	۴	۱۰
نام متولی بقعه	۲	۵	خیرات سلطان	۱	۲/۵	تجلیل از امامزاده	۵	۱۲/۵
آداب مسجد و بقعه	۲	۵	نام صاحب دیوان	۱	۲/۵	معین‌امیرالمومنین علی	۲	۵
جمع کل	۴۷	۳۹/۵	-----	۳۸	۳۱/۹	-----	۳۴	۲۸/۵

مضامین فنی و هویتی، ۳۹/۵٪ از کل مضامین کتیبه‌ها را به خود اختصاص داده است. در ۴۰٪ از کتیبه‌ها تاریخ ساخت اثر، در ۳۰٪ معرفی اثر تاریخی، در ۲۰٪ نام استاد نجار، در ۱۰٪ نام کاتب، در ۷/۵٪ نام بنا، معمار و آمر، در ۵٪ نام متولی ذکر

شده است. در ۵٪ کتیبه‌ها هم آداب ورود به مسجد و بقعه و سفارش درباره نحوه استفاده از آنها ذکر شده است.

در کتیبه‌های مورد بحث، در مجموع ۳۸ مضمون حکومتی-سیاسی شناسایی شد که ۳۲٪ از مضامین کتیبه‌های این دوره را شامل می‌شود. تفصیل این مضامین چنین است: در ۴۲/۵٪ از کتیبه‌ها نام و القاب متعدد برای سلطان، ۲۲/۵٪ اشاره به امر سلطان، ۱۵٪ دعا برای سلطان، ۷/۵٪ واژه «استندار» و واژگان «خسرو ایران، اکاسره، اشاره به احسان سلطان و نام صاحب‌دیوان» ۱۰٪ مضامین را شامل می‌شود.

در تحلیل این مضامین می‌توان گفت عبارات «امر»، «فرمان» و «فرموده» در متن این کتیبه‌ها، حاکی از آن است که همه این بناها و آثار به فرمان سلطان عصر ساخته شده بودند. کاربرد واژه‌های «اکاسره» و «خسرو» اشاره به پیشینه سلسله بادوسپانان و آگاهی آنها از پیشینه و نسب ساسانی آنهاست. احتمالاً در این دوره نیز انتساب به ساسانیان همچنان اهمیت داشت و ملاک مشروعیت حکومت آنها بود. با توجه به آنکه نام «ایران» در هیچ‌یک از کتیبه‌های شمال ایران تاکنون مشاهده نشده است، از این حیث نیز کتیبه نمای شرقی بقعه طاهر و مطهر در هزارخال کجور، در بین تمام کتیبه‌های شمال ایران، منحصربه‌فرد محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که بعد از ۸ سده فاصله گرفتن از فرهنگ ایران ساسانی، اعقاب آنها گوشه چشمی به گذشته داشته و نام ایران ذهنشان را به خود مشغول می‌داشته است.

بادوسپانان در دوره دوم حکومت، به «استندار» شهرت داشتند. کاربرد این واژه بعد از نام ملوک این سلسله در کتیبه‌های این دوره، اشاره به اصل و نسب و ارتباط نژادی و خونی و تعلق آنها به خاندان بادوسپانان است.

نکته بارز دیگر در این کتیبه‌ها، بررسی القاب همراه یا بعد از نام حاکم است. در بیشتر کتیبه‌های ملک‌کیومرث، نام حاکم حداقل با دو لقب همراه است. به طور کلی، در این کتیبه‌ها قبل از نام حاکم، بیشتر واژگان «السلطان» و «الملک» و در مواردی هر دو واژه و در یک مورد نیز واژه «شاه» به کار رفته است. بعد از این واژگان نیز، به ترتیب واژگان «الاعظم»، «جلال الدوله»، «جلال الدوله والدین»، «جلال الحق»، «مالک الرقاب والامم»، «الاعدل»، «اعدل الملوک والسلاطین»، «سلطان سلاطین»، «سلطان العرب والعجم»، «خاقان خواقین»، «اعتضاد الحکام والخواقین»، «المویید بتایید رب العالمین»، «المویید بتایید الملک الجبار»، «ظل خدا»، «ابوالمظفر»، «المعظم»، «خسرو

ایران»، «خلاصه اکاسره جهان»، «معین امیرالمومنین» و «المعتصم بولایت علی المختار» به عنوان صفت از ۱-۷ بار تکرار شده است.

اگر چه در نگاه اول، احتمال داده می‌شود که این واژگان بیشتر با هدف تبلیغ و بزرگ‌نمایی بوده باشد تا بیان واقعیت، با نگاه عمیق‌تر می‌توان فهمید که کاربرد هریک از این واژگان می‌تواند علاوه بر معانی ظاهری، گویای اهداف و جهت‌گیری‌های سیاسی، نظامی، مذهبی و طرز تلقی آنها از حکومت خود باشد یا حداقل می‌تواند بیانگر چیزهایی باشد که آنها درصدد تبلیغ یا القای آن به مردم بودند. اینکه هر حاکمی دوست می‌داشت او را با چه عبارتی رسماً خطاب کنند، نیز اهمیت دارد؛ بنابراین، کتیبه‌های مذکور، از این حیث نیز می‌تواند مورد استناد قرارگیرد که ملک کیومرث خود را در چه جایگاه و سطحی از حکام ایران قرار می‌داد و حکومت او در چه سطحی از حکومت‌های معاصر یا قبل از او قرار داشت و یا دوست می‌داشت که دیگران او و حکومتش را در چه جایگاهی ببینند؛ بنابراین، تجزیه و تحلیل این عبارات در کتیبه‌های مذکور، می‌تواند در این مورد راهگشا باشد.

در اغلب کتیبه‌ها، قبل از نام ملک کیومرث، واژگان «السلطان» و «الملک» آمده است. فقط در یک کتیبه او و یک کتیبه پسرش، واژه «شاه» ذکر شده است؛ بنابراین، احتمالاً بتوان گفت که او ترجیح می‌داد اطرافیانش وی را «سلطان و ملک» خطاب کنند. همچنین اوصاف و القاب مختلفی که بعد از نام حاکم ذکر شده است، گویای آن است که خود او یا اطرافیانش درصدد بودند که حکومتش را با شکوه و جلال جلوه دهند و او را مایه عظمت حق، دین و دولت بدانند، مالک امتهای و اقوام و عادل‌ترین ملوک و سلاطین عصر به حساب آورند، سلطان سلاطین و خاقان خواقین و سلطان عرب و عجم و یاریگر حکام و خواقین و حکومتش را مورد تأیید خداوند بدانند و او را سایه خدا بر روی زمین محسوب دارند، وی را از تیره و تخمه ساسانیان بدانند و به «کسرای ایران و خلاصه همه کسرها» ملقب سازند و از زبده شیعیان، معتصم علی مختار و معین امیرالمومنین بشمارند.

از کاربرد گسترده این واژگان، می‌توان چند نتیجه متفاوت گرفت که حکایت از اوضاع مختلف دارد: نخست، آنکه دوره ملک کیومرث واقعاً دوره باشکوهی بوده و او واجد اوصافی بوده که در این کتیبه‌ها بدانها تصریح شده است؛ دوم، دولتمردان او دوست داشته‌اند که حاکم و حکومتی با چنان اوصافی داشته باشند و در واقع، مضمون این

کتیبه‌ها، گویای آمال و آرزوهای دولتمردان آن عصر است و نه آنچه در واقعیت وجود داشته است؛ سوم، آنچه در این کتیبه‌ها برجسته شده، کمتر گویای واقعیت‌های آن عصر است و بیشتر به قصد تبلیغ و بزرگ‌نمایی انجام شده است. اگر دوره حکومت طولانی و توأم با آرامش نسبی و نظر مرعشی مورخ آن عصر ملاک ارزیابی ما از این دوره باشد، به نظر می‌رسد مضمون این کتیبه‌ها تا حدودی با واقعیت‌های آن دوره منطبق بوده باشد.

گذشته از اینها، کتیبه فارسی منظوم سردر بقعه شاه بالوی نائل نیز نکات قابل توجهی دارد و همه عناصر گرایش به ایرانی‌بودن در این کتیبه جمع شده است؛ زیرا قبل از نام «کیومرث»، واژه «شاه» و بعد از آن لقب «ظل خدا» آمده است که کاربرد عبارت مذکور نشانگر توجه به اندیشه «فرّه ایزدی» در ایران باستان درباره منشاء حکومت و قدرت شاه و تبدیل آن به «ظل الله» در دوره اسلامی است.

در کتیبه‌های مورد مطالعه، مضامین دینی و مذهبی با ۳۴ بار فراوانی، ۲۸/۵٪ از کل مضامین کتیبه‌ها را شامل می‌شود. تفصیل این دو مقوله چنین است: در مجموع ۳۰٪ از مضامین دینی و مذهبی کتیبه‌ها را مضامین شیعی تشکیل می‌دهد که عمده آنها شامل صلوات بر پیامبر (ص) و آل طیبین و طاهرین و صلوات کبیر چهارده معصوم در ۱۵٪ از کتیبه‌ها، تجلیل و تکریم از امامزادگان در ۱۰٪ کتیبه‌ها و عبارات «معین امیرالمومنین» و «معتصم به ولایت علی المختار» در ۵٪ از کتیبه‌ها وجود دارد. همچنین در متن ۴۷/۵٪ از کتیبه‌ها، از آیات قرآن و اسماء جلاله استفاده شده است. در ۱۰٪ سوره فتح، در ۱۰٪ آیه الکرسی، در ۷/۵٪ سوره یس و در ۱۲/۵٪ سوره‌های نجم، اسری، احزاب و برخی آیات منفرد به کار رفته است. در مجموع می‌توان گفت حدود نیمی از کتیبه‌های مورد مطالعه به آیات قرآنی اختصاص دارد. از مقایسه مضامین مذهبی با دینی می‌توان به این نتیجه رسید که کاربرد مضامین مذهبی در طی چند دهه، رشد چشمگیری داشته است.

در تحلیل مضامین قرآنی کتیبه‌ها می‌توان گفت چون مسلمانان اعتقاد دارند که قرآن کلام الهی و کتاب مقدس آسمانی آنهاست، از هر نوشته‌ای بالاتر است؛ بنابراین، یکی از مضامینی که در کتیبه‌های اسلامی همواره مورد استقبال قرار می‌گرفت، سوره‌ها یا آیات برگزیده‌ای از قرآن بود که به تناسب کاربری فضاها در کتیبه‌ها استفاده می‌شد. با توجه به این جایگاه، کتیبه‌های قرآنی را باید از این دیدگاه تحلیل کرد، اما علاوه بر تقدس قرآن و توجه به جنبه‌های معنوی، گاه از برخی آیات و سوره‌ها نیز به صورت

غیرمستقیم برای رساندن پیام‌های خاصی به مخاطب استفاده می‌شد که از جمله آنها سوره فتح است؛ برای نمونه، در کتیبه‌های مورد مطالعه، دو کتیبه از سوره فتح در نمای بیرونی و داخلی بقعه هزارخال وجود دارد که علاوه بر جنبه معنوی، احتمالاً با تغییر مذهب مردم رویان به دعوت ملک کیومرث از سنت به شیعه و فتوحات نظامی و پیروزی او بر رقبایش مرتبط باشد. همچنین بر روی صندوق قبر وی نیز سوره فتح کنده شده است که آن را نیز می‌توان اشاره تلویحی به دوره حکومت طولانی و پیروزمندانه وی یا پیروزی پسرش ملک کاووس بر برادرش ملک اسکندر دانست.

۶. نتیجه

چون در کتیبه‌های منطقه رویان قبل از سده نهم، مضامین شیعی وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش کتیبه‌های مذکور با تغییر مذهب در دوره ملک کیومرث ارتباط دارد و این کتیبه‌ها، جملگی متأثر از فضای مذهبی جدید و گسترش آموزه‌های شیعی توسط وی بوده است. همچنین مضامین این کتیبه‌ها موید آن است که ملک کیومرث بادوسپانی قطعاً شیعه‌مذهب بوده و این آثار، با هدف ترویج و تبلیغ تشیع به فرمان وی ساخته شده است. تکرار عبارات «المعتصم بولایت علی المختار» و «معین امیرالمومنین» در این کتیبه‌ها و طغرای فرمان‌های ملک کیومرث^۸ محکم‌ترین سند و شاهد برای اثبات اعتقادات شیعی اوست؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم کتیبه‌های با محتوا و مضامین شیعی، برآیند شرایط سیاسی و مذهبی دوره مذکور بوده است و با آن ارتباط دارد.

پی‌نوشت

۱. درباره حدود و مرزهای رویان و رستمدر، ر.ک: مقدمه منوچهر ستوده بر تاریخ رویان، تالیف مولانا اولیاء الله آملی، صص شش تا شانزده.
۲. برای آگاهی از تاریخ رویان و سلسله بادوسپانان ر.ک: تاریخ تبرستان ابن اسفندیار، تاریخ رویان مولانا اولیاء الله آملی، تاریخ گیلان و دیلمستان مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران همو، تاریخ خانی شمس‌الدین لاهیجی، تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی، تاریخ مازندران شیخعلی گیلانی و ...
۳. درباره تغییر مذهب ملک کیومرث و اقدامات وی در ترویج مذهب تشیع، ر.ک: مقدمه نیل المرام فی مذهب الائمه علیهم السلام، تالیف عبدالرحیم بن معروف رستمدری، به قلم رسول جعفریان، صص ۱۱ و ۲۴-۲۵ و ...
۴. درباره ثبت و قرائت کتیبه‌های شمال ایران ر.ک: اعتمادالسلطنه، جغرافیای نور، مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی شماره‌های ۷۳۲ و ۷۳۳، ه.ل. رابینو، مازندران و استرآباد، منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد، ج ۱-۵ و جغرافیای تاریخی شمیران، ج ۱. همچنین باید از مقاله جواد نیستانی با عنوان

«کتیبه‌های سده ۹ هـ ق ملک کیومرث بن بیستون...» منتشره در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، صص ۲۷۷-۲۸۸ یاد نمود.

۵. درباره تعداد کتیبه‌های شمال ایران هیچ‌گونه آماری وجود ندارد. این آمار را نگارنده براساس مطالعاتی که طی سال‌های اخیر به انجام رساند، از طریق منابع کتابخانه‌ای و جست‌وجو در مآخذ به دست آورد که تفصیل آن در رساله نگارنده بررسی و تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۶. این کتیبه بر روی صندوق قدیمی بقعه که در سال ۷۷۹ ساخته شد، وجود دارد. نگارنده حسب گزارش‌های محلی متوجه آن شد و بخشی از کتیبه آن را قرائت کرد.

۷. عمده اطلاعات مربوط به متن کتیبه‌های مورد مطالعه در این مقاله، از جلد سوم کتاب *از آستارا تا استراباد*، تألیف منوچهر ستوده اخذ شده است که ترکیبی از مشاهدات و نوشته‌های اعتمادالسلطنه و ستوده است؛ چون اغلب آثار کتیبه‌دار تخریب یا سرقت شدند، تنها راه دسترسی و مطالعه این کتیبه‌ها، مراجعه به این منابع بود.

۸. تاکنون یک نسخه از فرمان‌های ملک کیومرث به تاریخ ۸۳۳ هـ ق در موضوع اوقاف بقعه شیخ احمد نوری کشف شده است که اکنون در مجموعه اسناد مرحوم آیت‌الله یحیی نوری قرار دارد. تصاویری از آن منتشر شده است که ناخواناست. در طغرای این فرمان نیز عبارات مذکور ذکر شده است (نوری، ۱۳۸۳: ۵۱ و یزدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۳).

منابع

- آملی، مولانا اولیاء الله، *تاریخ رویان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمد رضانی، چاپ دوم، تهران، پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، *گاوبارگان بادوسپانی - بازماندگان ساسانیان در رویان*، تهران، شرکت افست، ۱۳۵۴.
- ایمانی، علی، *سیر خط کوفی در ایران*، تهران، روزنه، ۱۳۸۵.
- پاکزادیان، حسن، *تاریخ و گاهشماری در سکه‌های اسپهبدان تبرستان*، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۸۷.
- رابینو، ه.ل، *مازندران و استراباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- رستمدری، عبدالرحیم، *نیل المرام فی مذهب الائمه علیهم السلام*، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ، ۱۳۹۵.
- ستوده، منوچهر، *از آستارا تا استراباد*، جلد ۱-۵، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر، ۱۳۷۴.
- بلر، شبلی، *نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران*، ترجمه مهدی گلچین، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴.
- طاهری شهاب، محمد، *تاریخ ادبیات مازندران*، پژوهش و تصحیح زین‌العابدین درگاهی، تهران، رسانش، ۱۳۸۱.
- مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به اهتمام برنهارد دارن، تهران، گستره، ۱۳۶۳.
- _____، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، با تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- نیستانی، جواد، «کتیبه‌های سده ۹ ق ملک کیومرث بن بیستون و نسب‌نامه استنداران رویان»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون*، به کوشش ابوالقاسم اسماعیل‌پور، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون میراث فرهنگی، تهران، ۲۷۷-۲۸۸، ۱۳۸۷.
- معطوفی، اسدالله، *گرگان و استراباد - سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، تهران، حروفیه، ۱۳۸۷.

۱۱۶ / تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی مازندران و گیلان در سده نهم هـ ق بر کتیبه‌های ملک کیومرث بادوسپانی...

_____، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، مشهد، درخشش، ۱۳۷۴.

نوری، مصطفی، نامه مازندران، مجموعه اول: سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه، تهران، البرز، ۱۳۹۰.

نوری، یحیی، تحقیقی در نام‌گذاری منطقه نور و بلده، تهران، نوید نور، ۱۳۸۳.

یزدی‌نژاد، عباس و همکاران، نور و کجور گنجینه تاریخ، فرهنگ و هنر (۲)، دیار فرزانتگان (۱)، یادنامه ستارگان

آسمان ادب، دانش و هنر ایران، میرماه، تهران، ۱۳۸۶.

Archive of SID